



رواداری فرهنگی در عصر مغولان

نیم خلیلی

دبیر محترم رواداد کریمی



تقدیم به دکتر عبدالرسول خیراندیش (تولد ۱۳۳۶ ه.ش)، مغول‌پژوه و
ایلخانی‌شناس برجسته ایرانی

سرشناسه: خلیلی، نسیم، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور: رواداری فرهنگی در عصر مغولان / نسیم خلیلی.

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۳۸ ص.: مصور، جدول.

فروست: تاریخ ایران، روایتی دیگر؛ ۲.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۴۰۳-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: مغولان — ایران — تاریخ

Mongols -- Iran -- History

موضوع: ایران — تاریخ — مغول تا صفویه، ۶۱۶-۹۰۷ ق.

Mongols to Safavids, 1220-1501 -- History -- Iran

شناسه افزوده: کریمی، بهزاد، ۱۳۵۸ -

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۸۹/خ/۹۵۴ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۶۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۱۱۶۹۰۵



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، پانزدهم شهسواران، تهران

شماره ۱۱۱، پهن ۶۰۱۶۴۰ - ۶۶۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و چاپ:

تحریریه انتشارات ققنوس

نسیم خلیلی

رواداری فرهنگی در عصر مغولان

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۷

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۷۸ - ۴۰۳ - ۲

ISSN: 978-600-278-403-2

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۱۵۰۰۰ تومان

فهرست

۶	رویدادهای مهم در مسیر رواداری فرهنگی مغولان
۹	سخن دبیر مجله
۱۱	پیشگفتار
۱۵	۱. از یورت مغولان تا ایران: راه و رانه
۴۵	۲. از لایه‌لای کلمات و سکه‌ها
۸۳	۳. «تا بدان لوی اسلام افراخته نرسود»
۹۹	۴. از صندوق‌های قرآن تا مجسمه‌های بودا
۱۲۹	نگاه آخر
۱۳۳	منابع
۱۳۵	نمایه

سخن دبیر مجموعه

شاید بتوان «هویت‌یابی» را مهم‌ترین انگیزه برای مطالعه گذشته دانست. آدمیان علاقه‌مندند بدانند در انتهای کدام زنجیره حوادث قرار گرفته‌اند و محصول کدام شرایط تاریخی‌اند. ایران با داشتن تاریخی بلند و پُر فرازونشیب می‌تواند عناصر تاریخی بسیاری برای «هویت‌سازی» در اختیار ایران‌دانش قرار دهد. یک بررسی گذرا نشان می‌دهد پاسخ‌های مختلف و متفاوتی به این نیاز داده شده است. این پاسخ‌ها را می‌توان در دوره معاصر در سطوح مختلفی طبقه‌بندی کرد. در پیوسته لیل مؤلفه‌های آن‌ها برآمد. بی‌تردید درک تاریخ بدون در نظر داشتن پیش‌فهم‌ها و پیش‌انگ‌ها غیرممکن است و از همین رو، در باب واقعه واحد تاریخی می‌توان برحسب سبب‌ها و حتمات مختلف به شکل‌های متفاوت داوری کرد. برخی در پی اثبات شکوه و عظمت ایران باستان و نقل اسلام و عربیت برآمده‌اند و بعضی دیگر اسلام را بر صدر نشانده‌اند. بسیاری از سوانح جوانان برای انتفاع مالی یا کسب شهرت، دست به کتاب‌سازی یازیده و صحیح و سقیم را در هم آمیخته‌اند.

بررسی اجمالی کلان‌روایت تاریخ‌نگارانه نوین در ایران نشان می‌دهد که بی‌طرحه نهاد سیاست بر دیگر اجزاء تاریخ ایران است. می‌توان این رویداد معرفت‌شناختی را محصول امری هستی‌شناختی در عرصه تاریخ ایران دانست و آن حاکمیت استبداد نهاد سیاست و تفوق آن بر دیگر عناصر جامعه ایرانی است. تلاش شرق‌شناسان و ایران‌شناسان خارجی نیز علی‌رغم دستاوردهای کم‌نظیرشان حاوی اشکالاتی است که با توجه به بیگانه بودن آن‌ها با جامعه ایران امری طبیعی به شمار می‌رود، و البته باید در نظر داشت که به هر حال نگاه آن‌ها به تاریخ ایران نگاه ناظر بیرونی است. به هر روی، نتیجه تکرار آشنای سلسله‌ها و شخصیت‌هاست در کتاب‌هایی جسته و گریخته؛ البته نمی‌توان از برخی تلاش‌های ارزشمند و پُراج در حوزه تألیف و ترجمه کتاب‌های تاریخی یاد نکرد، اما بیشتر این آثار

در چارچوب‌های غیرمنعطف آکادمیک و مبتنی بر روش‌شناسی‌های مختلف علمی نگاشته شده‌اند و به لحاظ نشر و روش برای مخاطبان غیرمتخصص چندان جالب توجه نیستند. از همین رو بر آن شدیم، با نگاهی به ناکامی‌ها و کامیابی‌ها در عرصه نگارش و نشر آثار تاریخی برای مخاطبان غیرمتخصص، مجموعه‌ای جدید فراهم آوریم شامل بررسی سیر تحولات تاریخ ایران با نگاهی تازه و با اتکا بر منابع معتبر و روش‌های مقبول در پژوهش‌های تاریخی.

ویژگی اصلی تعریف‌شده برای این مجموعه که «تاریخ ایران، روایتی دیگر» نام گرفته، داشتن نگاه‌ها، جنبه، فرهنگی و انتقادی به رویدادهای تاریخ ایران در عرصه ایران فرهنگی است. ما بر این باوریم خوانش درست تاریخ می‌تواند موجب تحکیم هویت ملی، دوری از تندروی‌های قومیتی و مذهبی و سرانجام احتراز از یکسوگرایی‌های اسلامی/باستانی شود. به عنوان دستاویزی به این اهداف، تلاش کرده‌ایم تاریخ را نه به قصد ماندن در گذشته و نه برای ساختن و تحقیر در حال، بلکه برای ساختن آینده‌ای روشن روایت کنیم.

پیشگفتار

درباره مغولان و گرایش آن‌ها به ادیانی جز آیین بدوی نیاکانشان، روایت‌های افسانه‌ای فراوانی در متون تاریخی گزارش شده است. در این روایت‌ها خانی که اسلام یا مسیحیت را پذیرفته از کودکی با حالات یک عارف تصویر شده است، مثلاً، کودکی که از مکیدن پستان مادر کافر و خردمند می‌کند. این روایت هم درباره بَرکه — یکی از خان‌های مغول مسلمان‌شده در اردوی زرین^۱ — و هم درباره دیگر خان‌های مغول نقل شده است. گویی کودک می‌دانسته که روزی از آیین‌های صحراگردان خواهد گسست و در جهانی متفاوت با جهان زیست و کودکی خود، آیینی دیگر برخواهد گزید. اما این که این روایت‌ها واقعیت دارند یا نه، پرسشی است که پاسخ به آن واکاوی تاریخ اندیشه انسان را می‌طلبد، انسانی که گاه‌وبی‌گاه در مواجهه با واقعیت‌ها به دنبال ارائه تصویری مبهم و شورانگیز و رازآلود است تا جهان را جایی بزرگ‌تر و واقعیت‌های تاریخی را تطهیرشده‌تر از آنچه هست بنمایاند. اما اشاره به این موضوع در مقدمه کتابی که قرار است در آن درباره تساهل و تسامح یا رواداری مغولان صحبت شود، از آن درست که بدانیم درباره مغولانی که به آیین مغلوبان خود درآمده‌اند نوعی نگاه تقدیس‌گرایانه وجود دارد، نگاهی که دین‌پذیری مغولان را نه یک سیاست یا خط‌مشی یا تأثیر فکر مردمان سرزمین‌های مفتوحه بلکه نشانه‌ای عارفانه، پیامی آسمانی و بعضاً واکنشی روحانی انگاشته‌اند که بر اثر رؤیایی صادق یا مکاشفه‌ای رمزآلود رخ نموده است. حجم این داده‌ها به قدری است که محقق تاریخ را هم سردرگم می‌کند که آیا به‌راستی با واقعیتی تاریخی روبه‌روست یا امری صوفیانه و ماورای انسانی؟ اما آنچه درباره بسیاری از داده‌های تاریخی تا حدی

۱. اردوی زرین یا آلتین اردو به بخشی از امپراتوری مغول که در دست جانشینان جوجی، پسر بزرگ چنگیز، بود گفته می‌شد. قلمرو اردوی زرین بخش‌های اصلی روسیه، قزاقستان و اوکراین کنونی را در بر می‌گرفت.

می‌توان پذیرفت آن است که تساهل و تسامح مغولان بیش از آن‌که بنیادهایی عارفانه و مقدس داشته باشد، رویکردی سیاسی بوده برای زندگی بهتر در سرزمین‌هایی که در آن بیگانه بودند و مردمانش زبان و آیین و اندیشه‌هایی متفاوت داشتند. مغولان پس از هجوم به این سرزمین‌ها، معمولاً هیچ آیین و اندیشه‌ای را تبلیغ یا تحمیل نمی‌کردند، از این رو بوداییان و مسیحیان و مسلمانان آزاد بوده‌اند به راه خود باشند و فراتر از آن آیین خود را برای فرمانروایان جدید و خاندان و خویشان‌شان نیز تبلیغ کنند. البته این رویکرد وقتی حاکمان مغول دین خاصی را می‌پذیرفته‌اند تا اندازه‌ای تغییر می‌کرده است، چرا که آن دین از سوی حاکم تأیید می‌گرفته و در نتیجه گسترش پیدا می‌کرده است و گاهی حتی خود حاکم نیز بر آن می‌شده است. تازه‌اش را آیین رسمی و همگانی اعلام کند. این اعلام رسمی محدودیت‌هایی برای دیان دیگر ایجاد می‌کرده و در چنین موقعیتی رواداری درباره سایر ادیان بی‌معنا می‌شده است؛ برای درک بهتر این موضوع توجه به کنش اولجایتو، سلطان تازه‌مسلمان مغول، ضرورت دارد. او برای مسیحیان و یهودیان جزیه یا مالیات سرانه مذهبی برقرار کرد و آن‌ها را وادار کرد برای متمایز شدن از مسلمانان لباس مشخصی بپوشانند. در همین داده تاریخی مختصر حدیثی وجود دارد که فضای رعب‌انگیز روزگار اولجایتو را در تعامل با ادیانی جز اسلام بازنمایی می‌کند: ستاندن جزیه و مالیات از اقلیت‌ها و متمایز ساختن آن‌ها که بار بی‌حرمتی برایشان در آن هیچ نشانی از روزگار حاکمیت سلطانی اهل تسامح ندارد.

در بسیاری از موارد هم سیاست‌ها ایجاب می‌کرده حاکمان دین و آیینی مشخصی را بپذیرند و تبلیغ کنند، برای درک این موضوع باز می‌گردیم به بزرگمخان که در اردوی زرین حاکمیت داشت. یکی از دلایل اسلام‌پذیری بزرگمخان، اندیشه زردکی به سلطان مصر برای مقابله با دشمن مشترک یعنی مغولان ایران بوده است، اما آنچه وجه تساهل و تسامح او را نشان می‌دهد، آن است که در حالی که خان و همه همسران و اطرافیان او مسلمانانی سرسخت بوده‌اند، به طوری که هر یک از همسران و امیران امام جمعه و مؤذن مخصوص به خود را داشته‌اند، آداب دوران شمن‌پرستی نیز همچنان در قلمرو اردوی زرین جاری بوده است؛ حتی شماری از رسوم که با احکام اسلامی مغایرت داشته است. این واقعیت در دوره‌های متناوب حاکمیت مغولان به چشم می‌خورد: همزیستی میان

اندیشه‌های فاتحان و آیین مغلوبان. و در این میان آنچه بسیار مهم است نقشی است که شیوخ و متنفذان هر دینی در این میان ایفا می‌کرده‌اند. برای نمونه، در آسیای میانه شیوخ برای مسلمان کردن خان‌های اردوی زرین به اعمال فشار متوسل می‌شدند. در حدود سال ۷۶۰ ه.ق در شهر سرای، خانی به نام عزیزخان فرمان می‌راند که رفتار بی‌بندوباری داشت، و در نتیجه شیخی به نام سید عطار، که نوۀ احمد یَسَوِی معروف بود، او را تکفیر کرد. خان به حضور شیخ آمد، توبه کرد و دختر خود را به زنی به شیخ داد، اما سه سال بعد دوباره زندگی بی‌بندوبار گذشته خود را از سر گرفت و سرانجام به دست پیروان شیخ به قتل رسید.

آیا دانستن این روایت، دیدگاه مورخ را دربارهٔ تساهل و تسامح در میان فرمانروایان مغولی تحت تأثیر قرار نمی‌دهد؟ به نظر می‌رسد دست‌کم تاریخ‌پژوه آگاه و تاریخ‌خوان مشتاق باید بداند که با استرۀ متغی و پیچیده‌ای به لحاظ فکری و عقیدتی مواجه است که تحلیل‌های همه‌جانبه‌نگر را دشوار می‌سازد.

در این کتاب کوچک سیر کلی اندیشه‌ها، خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مذهبی این فاتحان را مرور خواهیم کرد. به موقعیت و جایگاه ایران مختلف در سایهٔ حاکمیت آن‌ها می‌نگریم و به طور مشخص عوامل مؤثر در اسلام‌پذیری مغولان و تعاملشان با جهان ایرانی-اسلامی را بررسی می‌کنیم. این مطالعه بدون شک تنها روزنۀ است به روی یک فراخنای. در این فراخنای، که به صحرای زادگاه مغولان می‌ماند، نماندگان آیین‌های فکری گونه‌گون همانند رویدنی‌های این صحرای بی‌کرانه در کنار هم رشد می‌کنند و سر به سوی نور و آسمان می‌چرخانند که گویی فصل مشترک همهٔ این اندیشه‌ها و آیین‌هاست.